



رقابت آمریکا و چین،

منازعه‌ای بر سر نظم جهان

در دهه‌های پیش رو

اردیبهشت ۱۴۰۳

مرکز تحلیل
راهبردی و بین‌الملل





باسمه تعالی

رقابت آمریکا و چین، منازعه‌ای بر سر نظم جهان در دهه‌های پیش رو

مقدمه

رقابت میان چین و آمریکا در سال‌های اخیر گسترش پیدا کرده است. وقتی به این رابطه از نزدیک نگاه می‌کنیم و تحولات آن را دقیق‌تر و جامع‌تر رصد می‌کنیم، متوجه می‌شویم که این رابطه دیگر صرفاً رقابت دو شریک تجاری بر سر سهم بیشتر از بازار یکدیگر و یا رقابت دو قدرت اقتصادی بر سر سهم بیشتر از بازارهای ثالث نیست. هر دو طرف هرچند حداقل در شرایط کنونی از داغ شدن این منازعه و تبدیل شدن آن به یک جنگ تمام‌عیار جلوگیری می‌کنند اما هر دو آگاه هستند که این رقابت منازعه‌ای بر سر سهم بیشتر هر یک در مناسبات قدرت در دهه آینده و شکل‌دهی به این مناسبات و نظم جهانی حاصل از آن در دهه‌های پیش رو است.

رابطه چین و آمریکا چگونه شکل گرفت؟

نگاهی به روابط چین و آمریکا از ابتدای تاسیس جمهوری خلق چین، پس از جنگ جهانی دوم و در دوران جنگ سرد می‌تواند نگاهی دقیق‌تر از ریشه‌های منازعه کنونی بدهد.

حزب کمونیست چین در سال ۱۹۴۹ با غلبه بر مخالفین داخلی خودش از جمله ملی‌گرایان جمهوری خلق چین را تاسیس می‌کند. با تاسیس حکومت جدید ملی‌گرایان چینی با حمایت آمریکا به جزیره تایوان فرار می‌کنند و در آن جا حکومتی مستقل تاسیس می‌کنند و توسط آمریکا به عنوان دولت قانونی چین به رسمیت شناخته می‌شوند. جمهوری خلق چین که حکومت بر سرزمین اصلی چین را داشت، هرچند هیچگاه حکومت ملی‌گرایان بر جزیره تایوان را نپذیرفت و تایوان را همیشه بخشی از خاک خود دانسته اما این حمایت آمریکا دخالتی مستقیم در تجزیه چین قلمداد شد.

اختلافات آمریکا و جمهوری خلق چین در دو دهه بعد در بستر جنگ سرد افزایش یافت. ایالات متحده همواره تلاش کرد تا دولت کمونیستی چین را مختل، بی‌ثبات و تضعیف کند. واشنگتن معتقد بود که جمهوری خلق چین یک قدرت تهاجمی و توسعه طلب است که امنیت همسایگان غیرکمونیست خود را تهدید می‌کند. اختلافات در بستر جنگ کره، درگیری‌ها در تبت و جنگ ویتنام بخشی از این اختلافات است. علاوه بر این آمریکا در این سالها تلاش کرد تا با سوار شدن میان اختلافات چین و شوروی میان آن دو شکاف ایجاد کند!

۱. <https://www.cia.gov/readingroom/docs/CIA-RDP01065-80A2-000100170043.pdf>





در دهه ۱۹۶۰ شکاف‌هایی میان شوروی و چین ایجاد می‌شود که به نزدیک شدن چین به آمریکا کمک می‌کند. تفاوت‌ها بر سر امنیت، ایدئولوژی و مدل‌های توسعه، روابط چین و شوروی را تحت فشار قرار داده است. سیاست‌های صنعتی‌سازی رادیکال چین، معروف به جهش بزرگ رو به جلو، اتحاد جماهیر شوروی را به خروج مشاورانش در سال ۱۹۶۰ سوق داد. اختلافات در درگیری‌های مرزی در مارس ۱۹۶۹ به اوج خود رسید.^۲

ماتو که هم از سمت آمریکا و هم از سمت شوروی تحت فشار بود، در دهه ۱۹۷۰ کم‌کم در روابط خارجی ملاحظات استراتژیک را جایگزین آرمان‌های ایدئولوژیک کرد و با دشمن ایدئولوژیک خود یعنی آمریکا بر ضد دشمن استراتژیک خود متحد شد. برای ماتو، شوروی با بیش از سه هزار کیلومتر مرز مشترک با چین دشمنی نزدیک و خطرناکتر از آمریکا با فاصله‌ای بسیار زیاد از چین بود. لذا ماتو برای خنثی کردن خطر شوروی با امپریالیسم آمریکا از سر مصالحه و معامله برآمد. مسکو به عنوان بزرگترین تهدید چین جایگزین واشنگتن شد و انشعاب چین و شوروی به نزدیک شدن نهایی پکن به ایالات متحده کمک کرد.

در پی نرمش‌های چین، هنری کسنجر وزیر خارجه وقت آمریکا در سال ۱۹۷۱ سفر مخفیانه‌ای به چین انجام می‌دهد. و در پی این سفر در همین سال کرسی دائم شورای امنیت چین که تاکنون در اختیار دولت تایوان بود به جمهوری خلق چین داده می‌شود. در سال ۱۹۷۹ روابط چین و آمریکا رسماً آغاز شد و با قدرت گرفتن دنگ شیائوپینگ رابطه مثلی آنها به همراهی آمریکا و چین در برابر شوروی تبدیل شد. آمریکا در ازای به رسمیت شناختن جمهوری خلق چین روابط سیاسی خود را با تایوان قطع می‌کند اما کنگره قانون روابط تایوان را در همین سال تصویب می‌کند که اجازه می‌دهد روابط تجاری و فرهنگی بین ایالات متحده و تایوان ادامه یابد. این اقدام همچنین واشنگتن را ملزم می‌کند تا تسلیحات دفاعی به تایوان ارائه کند.

آمریکا و آرزوهای بزرگ برای چین

با پایان جنگ سرد در ۱۹۹۱ آمریکا امیدوار بود که چین که قبلاً نرمش‌هایی در برابر آمریکا انجام داده است و همچنین برخی از اصلاحات مبتنی بر بازار آزاد را اجرا کرده است پس از مدتی به سمت سیستمی شبیه سیستم آمریکایی حرکت کند. بیل کلینتون، رئیس‌جمهور ایالات متحده و مشاورانش ادعا کردند که وارد کردن چین به سیستم تجارت جهانی نه تنها به نفع ایالات متحده است، بلکه اصلاحات اقتصادی و در نهایت دموکراتیک را در چین تقویت می‌کند. لذا آمریکایی‌ها تجارت با چین را ازاد کردند و با درخواست چین برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی پس از ۱۶ سال موافقت کردند^۳، و با حوصله منتظر فروپاشی حزب کمونیست چین نشستند.^۴

۲. <https://www.cfr.org/timeline/us-china-relations>

۳. <https://www.cfr.org/background/contentious-us-china-trade-relationship>

۴. چین در سال ۱۹۸۶ برای پیوستن به گات درخواست داده بود. گات در سال ۱۹۹۵ با سازمان تجارت جهانی جایگزین می‌شود. آمریکا در این سالها همواره مخالف عضویت چین در این دو سازمان بود





آمریکا نه تنها امید داشت که چین در داخل دموکرات تر شود بلکه انتظار داشت در دراز مدت چین به یکی از اقمار و بازوها آمریکا در سیاست خارجی تبدیل شود. در یک سخنرانی در سپتامبر ۲۰۰۵، معاون وزیر امور خارجه رابرت بی زولیک با به رسمیت شناختن پکن به عنوان یک قدرت نوظهور، از چین می‌خواهد که به عنوان یک «ذینفع مسئول» عمل کند و از نفوذ خود برای جذب کشورهایی مانند سودان، کره شمالی و ایران به سیستم بین‌المللی استفاده کند.^۵

سالهای طلایی روابط چین و آمریکا

سالهای ۲۰۰۱ تا اوایل دوران ترامپ را می‌توان سال‌های روابط طلایی چین و آمریکا دانست. اصلاحات اقتصادی که در چین به ثمر نهشته به همراه نیروی کار ارزان در حال تبدیل کردن چین به کارخانه تولید جهانی است. روابط تجاری چین و آمریکا در این سالها اوج می‌گیرد. حجم تجارت بین چین و آمریکا از حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در دهه ۱۹۹۰ به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار در اواسط دهه ۲۰۱۰ می‌رسد. جمعیت عظیم چین بازار بزرگی است برای محصولات آمریکایی که چین را در این سالها به سومین مقصد صادراتی آمریکا تبدیل می‌کند. گزارش سال ۲۰۲۲ توسط شورای بازرگانی ایالات متحده و چین نشان داد که صادرات به چین بیش از یک میلیون شغل در ایالات متحده را پشتیبانی می‌کند.^۶ کالاهای ارزان قیمت چینی هم روانه بازار آمریکا شد. اقتصاد دانان خاویر جارول و اریک ساگر در یک مطالعه در سال ۲۰۱۹، دریافتند که افزایش تجارت با چین قدرت خرید سالانه متوسط خانوار آمریکایی را بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ به میزان ۱۵۰۰ دلار افزایش داد.^۷

۵. <https://www.cfr.org/timeline/us-china-relations>

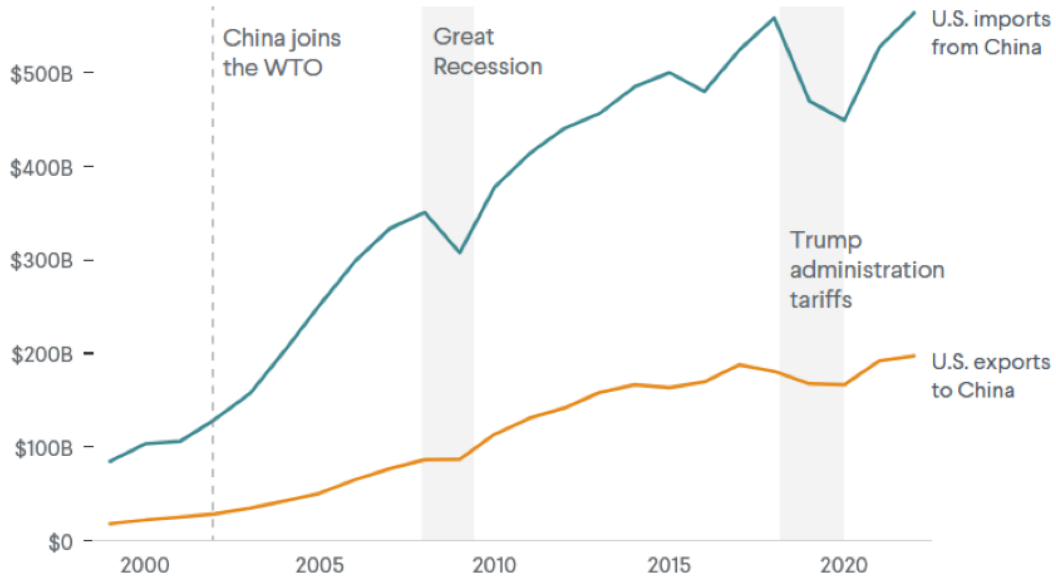
۶. <https://www.cfr.org/backgrounder/contentious-us-china-trade-relationship>

۷. <https://www.cfr.org/backgrounder/contentious-us-china-trade-relationship>





Trade in goods and services



Source: U.S. Bureau of Economic Analysis.

COUNCIL *on*
FOREIGN
RELATIONS

شکل ۱- تجارت کالا و خدمات چین و ایالات متحده در دو دهه گذشته^۸

در کنار افزایش تجارت تحول بزرگی در صنعت آمریکا در رابطه با چین ایجاد شد. شرکت‌های آمریکایی در این سال‌ها حلقه‌های پائین زنجیره تولید خود را که عمدتاً شامل تولیدات سطح پائین، مونتاژ و یا بسته‌بندی مواد بود و کمترین ارزش و سود آوری را داشتند به چین منتقل کردند. و آمریکا حلقه‌های بالای زنجیره‌های تولید کالا را که شامل تحقیق و توسعه، فناوری و ساخت تجهیزات مورد نیاز برای تولید کالا بود را در داخل خاک خود نگه داشت. این امر سود سرمایه داران آمریکایی را چندین برابر می‌کرد، منجر به تولید محصول نهایی در چین می‌شد و البته اشتغال‌های سطح پایین در آمریکا را هم کاهش می‌داد. با این استراتژی آمریکا می‌توانست تولید در چین را به خود وابسته نگه دارد و در صورت لزوم از آن به نفع خود استفاده کند.

۸. <https://www.cfr.org/backgrounder/contentious-us-china-trade-relationship>





در این سالها در مسیر رشد توسعه چین در عمل چه اتفاقی می افتد؟

چین در نتیجه سیاستهای اقتصادی و ورودش به بازار جهانی بزرگ می شود. در سال ۲۰۱۰، چین دومین اقتصاد بزرگ جهان می شود.^۹

در سپتامبر ۲۰۰۸، چین با پیشی گرفتن از ژاپن، به بزرگترین دارنده بدهی یا اوراق خزانه ایالات متحده با حدود ۶۰۰ میلیارد دلار تبدیل شد و بزرگترین طلبکار خارجی آمریکا شد.^{۱۰} وابستگی متقابل فزاینده بین اقتصادهای ایالات متحده و چین با تهدید یک بحران مالی، اقتصاد جهانی را آشکار می کند و نگرانی ها را در مورد عدم تعادل اقتصادی ایالات متحده و چین افزایش می دهد.

در عین حال تراز تجاری چین و آمریکا در تمام این سالها با فاصله زیاد به نفع چین منفی است. به طوری که کسری تجاری کالاها و خدمات ایالات متحده با چین در سال ۲۰۲۲، ۳۶۷.۴ میلیارد دلار رسیده است.

چین به سایر وجوه قدرت خود توجه می کند

در سالهای پیوستن چین به تجارت جهانی چین خود را منحصر در تجارت با آمریکا، غرب و شرکای سنتی تجاری اش نمی کند. و با سیاستهایی از جمله ابتکار کمربند و جاده بازوهای تجاری و سرمایه گذاری را در سراسر جهان گسترش می دهد. به طور مداوم بازارهای جدید را کشف می کند و به شریک اصلی تجاری حدود ۱۴۰ کشور جهان و منطقه تبدیل می شود. این در حالی است که تراز تجاری چین با عمده این کشورها نامتعادل به سمت چین است. به طوری که تجارت خارجی چین با سایر کشورهای خارجی طی سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۸۷۷.۶ میلیارد دلار به نفع چین بوده است.^{۱۱} رشد چین در تجارت جهانی و نفوذ آن به قلب تجارت آزاد در حالی است که چین با آن که در آغاز برخی اصلاحات اقتصادی را مطابق دستور سازمان تجارت جهانی اعمال می کند اما در ادامه حاکمان چین سیاستهای اقتصادی را متناسب منافع ملی خود تنظیم می کنند. فضای داخلی چین مطابق خواست آمریکا تغییر نمی کند و لیبرال تر نمی شود. و سیاست خارجی چین نیز در پازل وابستگی به آمریکا قرار نمی گیرد. چین تلاش کند تا بر مبنای سوسیالیسم با ویژگی های چینی سیاست خارجی مستقلی را تعریف کند.

۹. چین پس از ۱۳۳ تریلیون دلار ارزش گذاری در سه ماهه دوم ۲۰۱۰، به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان از ژاپن پیشی گرفت که کمی بالاتر از ۱,۲۸ تریلیون دلار ژاپن در آن سال بود. به گفته جیم اونیل، اقتصاددان ارشد گلدمن ساکس، چین در مسیر پیشی گرفتن از ایالات متحده به عنوان اقتصاد شماره یک جهان تا سال ۲۰۲۷ است

۱۰. <https://www.cfr.org/timeline/us-china-relations>

۱۱. حجم مبادلات تجاری این کشور با جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۱۵,۷۹ میلیارد دلار بوده است



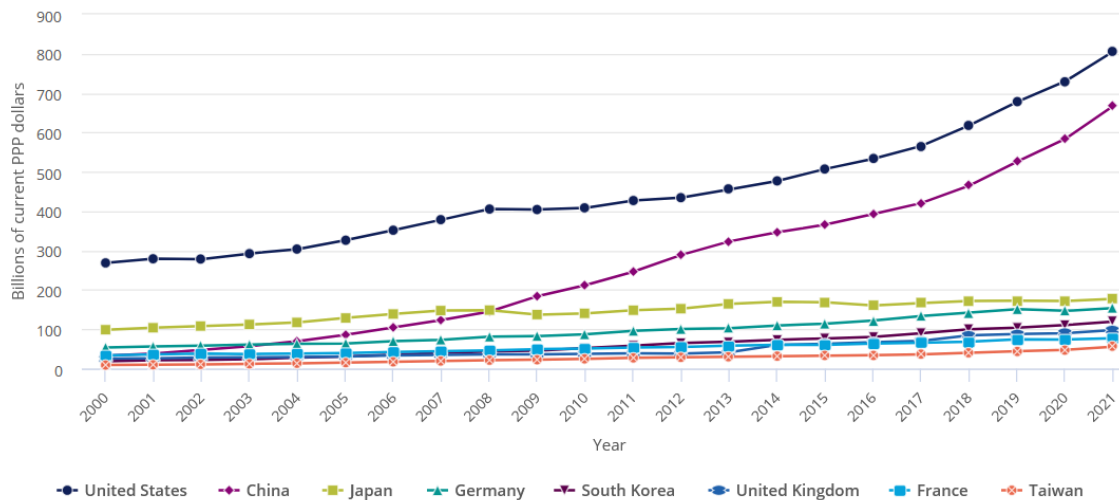


سرمایه‌گذاری در فناوری

با وجود آنکه رشد اقتصادی چین را به کارخانه تولید جهان تبدیل کرده، اما چین توجه دارد که این رشد وابسته به فناوری و نوآوری در آمریکا و غرب است. لذا حرکت به سمت حلقه‌های بالای زنجیره تولید را در دستور کار خود قرار می‌دهد. در اواسط دهه ۲۰۱۰ و بعد از آن اسناد سیاستی متعددی از سوی حزب کمونیست چین منتشر می‌شود که توجه به فناوری و نوآوری را در دستور کار دولت قرار می‌دهد. به طور مثال استراتژی ملی چین برای «توسعه مبتنی بر نوآوری» که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد نوآوری فناورانه را پشتوانه قدرت ملی قرار می‌دهد. این استراتژی «شکوفایی ملی را ناشی از قدرت در نوآوری و زوال ملی ناشی از ضعف در نوآوری می‌بیند.» در این استراتژی آمده، یکی از دلایل اصلی رکود چین در عصر مدرن این است که اجازه داد انقلاب‌های فناوری قبلی از کنار آن بگذرند. نوآوری فناورانه پشتیبان راهبردی برای افزایش بهره‌وری اجتماعی و قدرت کلی ملی است و باید در هسته توسعه کشور به عنوان یک کل قرار گیرد.» این سند جهت‌گیری به سمت لبه‌های فناوری را در دستور کار خود قرار می‌دهد و هدف گذاری می‌کند که تا سال ۲۰۵۰، چین به ابرقدرت نوآوری علم و فناوری جهانی تبدیل شود.^{۱۳} در همین راستا چین سرمایه‌گذاری های گسترده‌ای برای دستیابی و رشد فناوری انجام می‌دهد.

شکل ۲ میزان سرمایه‌گذاری چین در تحقیق و توسعه را نشان می‌دهد و آن را با برخی کشورهای منتخب مقایسه می‌کند.

Gross domestic expenditures on R&D, by selected country or economy: 2000–21



شکل ۲- سرمایه‌گذاری چین و کشورهای منتخب در تحقیق و توسعه^{۱۳}

۱۲. <https://cset.georgetown.edu/publication/outline-of-the-national-innovation-driven-development-strategy/>

۱۳. <https://nces.nsf.gov/pubs/nsb20243/data#figure-block>





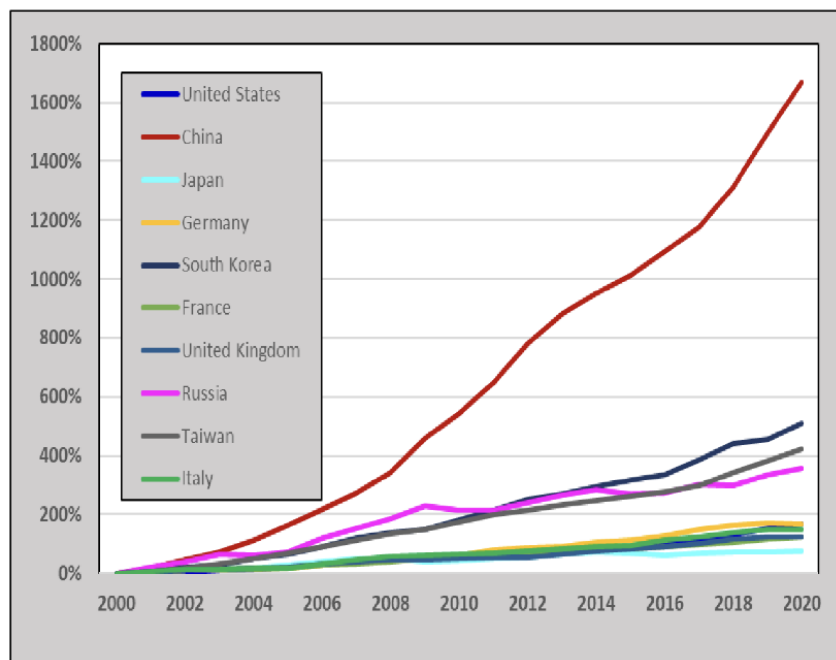
شکل ۳ نیز نشان دهنده درصد رشد سرمایه‌گذاری چین در بخش تحقیق و توسعه از سال ۲۰۰۰ است. سرمایه‌گذاری چین در بخش تحقیق و توسعه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ در حدود ۱۶ برابر شده است.

Percentage Growth in Growth in R&D Expenditures Since 2000 for Selected Countries, 2000-2020

Growth of R&D expenditures for each of the 10 countries with the highest 2020 R&D expenditures for 2000 to 2020 as a percentage of its 2000 R&D expenditures.

During this period, China had the highest growth in R&D expenditures (1,669%), followed by South Korea (509%), Taiwan (423%), and Russia (357%).

Source: CRS analysis of Organisation for Economic Development and Cooperation, OECD.Stat database, https://stats.oecd.org/Index.aspx?DataSetCode=MSTI_PUB.



شکل ۳- درصد رشد سرمایه‌گذاری چین در بخش تحقیق و توسعه و مقایسه آن با کشورهای منتخب

ما حاصل این تمرکز چین توانسته به نتایج قابل توجهی دست پیدا کند. موسسه سیاست استراتژیک استرالیا (ASPI) سال گذشته پروژه‌ای را با بودجه دولت آمریکا انجام داده است. نتایج این پروژه نشان می‌دهد که چین در ۳۷ فناوری از ۴۴ فناوری نوظهور که طیفی از زمینه‌های فناوری حیاتی را پوشش می‌دهد از جمله دفاع، فضا، رباتیک، انرژی، محیط زیست، بیوتکنولوژی، هوش مصنوعی (AI)، مواد پیشرفته و حوزه‌های کلیدی فناوری کوانتومی پیشتاز است و برآورد می‌شود در ۸ مورد از آنها انحصار فناوری را در اختیار داشته باشد.^{۱۴}

۱۴. <https://www.aspi.org.au/report/critical-technology-tracker>





Technology	Lead country	Technology monopoly risk
Advanced materials and manufacturing		
1. Nanoscale materials and manufacturing	China	high
2. Coatings	China	high
3. Smart materials	China	medium
4. Advanced composite materials	China	medium
5. Novel metamaterials	China	medium
6. High-specification machining processes	China	medium
7. Advanced explosives and energetic materials	China	medium
8. Critical minerals extraction and processing	China	low
9. Advanced magnets and superconductors	China	low
10. Advanced protection	China	low
11. Continuous flow chemical synthesis	China	low
12. Additive manufacturing (incl. 3D printing)	China	low
Artificial intelligence, computing and communications		
13. Advanced radiofrequency communications (incl. 5G and 6G)	China	high
14. Advanced optical communications	China	medium
15. Artificial intelligence (AI) algorithms and hardware accelerators	China	medium
16. Distributed ledgers	China	medium
17. Advanced data analytics	China	medium
18. Machine learning (incl. neural networks and deep learning)	China	low
19. Protective cybersecurity technologies	China	low
20. High performance computing	USA	low
21. Advanced integrated circuit design and fabrication	USA	low
22. Natural language processing (incl. speech and text recognition and analysis)	USA	low
Energy and environment		
23. Hydrogen and ammonia for power	China	high
24. Supercapacitors	China	high
25. Electric batteries	China	high
26. Photovoltaics	China	medium
27. Nuclear waste management and recycling	China	medium
28. Directed energy technologies	China	medium
29. Biofuels	China	low
30. Nuclear energy	China	low
Quantum		
31. Quantum computing	USA	medium
32. Post-quantum cryptography	China	low
33. Quantum communications (incl. quantum key distribution)	China	low
34. Quantum sensors	China	low
Biotechnology, gene technology and vaccines		
35. Synthetic biology	China	high
36. Biological manufacturing	China	medium
37. Vaccines and medical countermeasures	USA	medium
Sensing, timing and navigation		
38. Photonic sensors	China	high
Defence, space, robotics and transportation		
39. Advanced aircraft engines (incl. hypersonics)	China	medium
40. Drones, swarming and collaborative robots	China	medium
41. Small satellites	USA	low
42. Autonomous systems operation technology	China	low
43. Advanced robotics	China	low
44. Space launch systems	USA	low

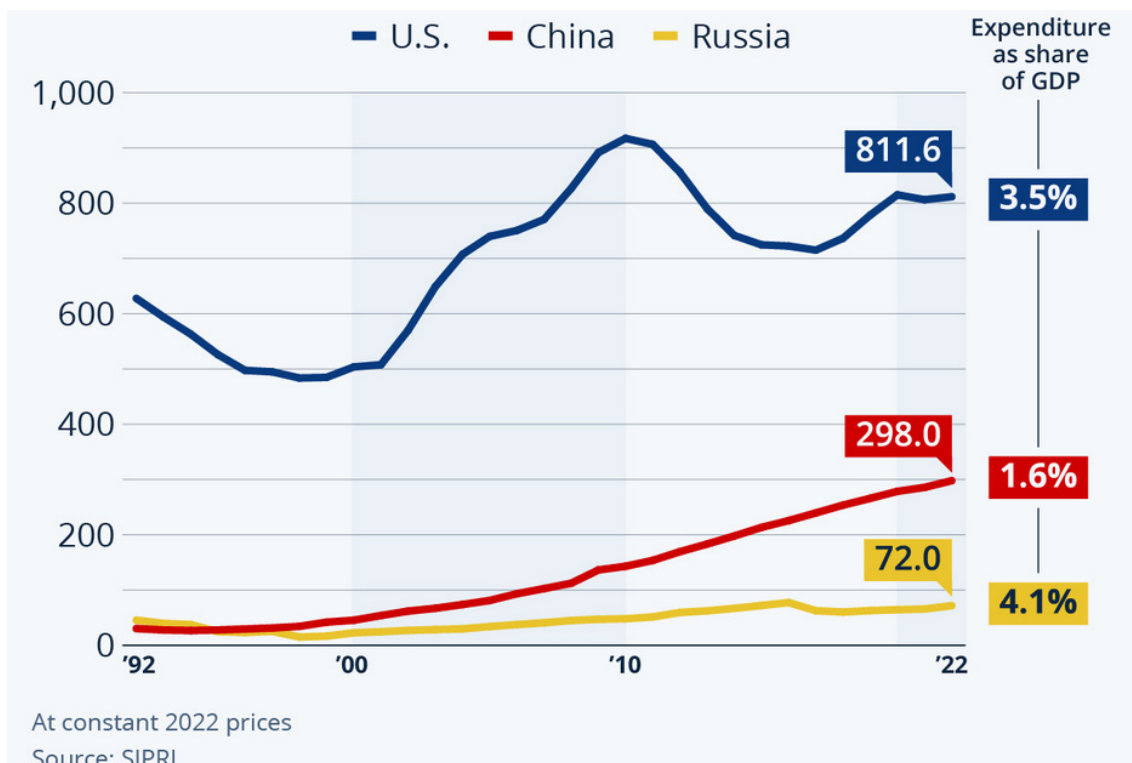
شکل ۴- فناوری‌هایی که طبق گزارش ASPI چین در آنها رهبری فناوری را بر عهده دارد.





سرمایه‌گذاری در دفاع

چین هزینه‌های نظامی خود را در دو دهه اخیر افزایش داده است و پایگاه صنعتی دفاعی خود را از طرق مختلف ارتقا داده است. این تلاش‌ها قابلیت‌های هوایی، زمینی، دریایی، فضایی و سایبری چین را بهبود بخشیده است. نمودار زیر بودجه نظامی چین را در سه دهه اخیر نشان می‌دهد.



شکل ۵- هزینه‌های نظامی چین بر حسب میلیارد دلار

تلاش برای نقش‌آفرینی در مدیریت جهانی

چین که در سال‌های اصلاحات اقتصادی سیاست درونگرایی و انزوا را برگزیده بود، به تناسب گسترش نفوذ اقتصادی در خارج از کشور لازم می‌بیند که بازوهای سیاسی و امنیتی و فرهنگی خودش را در خارج از مرزهایش ارتقا دهد و نقش‌آفرینی خود را در عرصه مدیریت جهانی افزایش دهد.





شی در سال ۲۰۱۷ در نشست حزب کمونیست چین اعلام می‌کند:

«چین و جهان در میان تغییرات عمیق و پیچیده قرار دارند و فرصتهای استراتژیکی برای چین وجود دارد. زمان آن فرا رسیده است که ما در مرکز جهان قرار بگیریم و سهم بیشتری برای بشریت داشته باشیم. چین باید از فرصتهای ایجاد شده استفاده کند، تا نظم بین‌المللی را منطقی‌تر و عادلانه‌تر کند تا از منافع چین و سایر کشورهای در حال توسعه محافظت کند.»^{۱۵}

به تناسب این سیاست اعلامی چین در سالهای پس از ۲۰۱۷ نقدها به مدیریت آمریکایی جهان را افزایش می‌دهد و وجوه لیبرال نظم آمریکایی را به چالش می‌کشد. در سال‌های همه‌گیری کرونا از ضعف عملکرد آمریکا استفاده می‌کند و آن را به فرصتی برای تقویت نفوذ بین‌المللی خود با پر کردن جهان با کمک‌های پزشکی و واکسن چینی تبدیل می‌کند. استراتژی توسعه بین‌المللی خود را از دوجانبه به چندجانبه تغییر می‌دهد و نفوذ خود را از طریق سازمان‌های سنتی جهانی تقویت می‌کند و در عین حال ابتکارات جایگزین را نیز به راه انداخته است. بزرگ‌ترین این ابتکارها، ابتکار کمربند و جاده (BRI) است، یک استراتژی توسعه زیرساخت که از یک پیشنهاد مبهم به شرکای آسیای مرکزی چین به یک ابتکار ۹۰۰ میلیارد دلاری تبدیل شد. همچنین در سالهای پس از ۲۰۲۰ ابتکاراتی را برای مدیریت فرهنگی، امنیتی و توسعه جهانی تحت عنوان «ابتکار امنیت جهانی»، «ابتکار توسعه جهانی» و «ابتکار تمدن جهانی» در فضای بین‌المللی مطرح می‌کند و برای توسعه آن در جهان خصوصا میان کشورهای جنوب و در حال توسعه تلاش می‌کند. چین تلاش می‌کند تا با دست گرفتن رهبری کشورهای جنوب و حمله به مدیریت آمریکایی جهان فضا را برای نظم جهانی مطلوب چینی هموارتر کند.

آمریکا احساس خطر می‌کند

اواخر دوره اوباما آمریکا از بزرگ شدن و قدرت گرفتن چین احساس خطر می‌کند. گزارش‌های امنیتی در مورد خطر چین در این دوره ارائه می‌شود اما اجماع گسترده‌ای ایجاد نمی‌شود و اوباما توجه چندانی به آن نمی‌کند.^{۱۶} اختلافات چین و آمریکا در این دوران عمدتاً معطوف به مناقشات تجاری است که آمریکا تلاش می‌کند از طریق سازمان تجارت جهانی به آنها رسیدگی کند.

ریاست جمهوری ترامپ: تنش‌ها میان چین و آمریکا آشکار می‌شوند

با روی کار آمدن ترامپ نگرانی‌ها در مورد قدرت گرفتن چین افزایش پیدا می‌کند. این نگرانی‌ها در آغاز بیشتر ناشی از کسری‌های تجاری آمریکا در تجارت با چین، از بین رفتن مشاغل آمریکایی در برابر سیل صادرات چینی به آمریکا است. ترامپ سیاست اول آمریکا را پی می‌گیرد و وارد یک جنگ تجاری با چین می‌شود. در ژانویه ۲۰۱۸ تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری را با هدف مجبور کردن چین به ایجاد تغییراتی در آنچه که ایالات متحده آن را اقدامات تجاری ناعادلانه طولانی مدت و سرقت مالکیت معنوی می‌نامد وضع کرد.

۱۵. Xi Jinping's report at 19th CPC National Congress

۱۶. <https://www.wsj.com/politics/national-security/american-spies-confront-a-new-formidable-china-5c384370>





دولت ترامپ اظهار داشت که این اقدامات ممکن است به کسری تجاری آمریکا و چین کمک کند و دولت چین نیازمند انتقال فناوری آمریکایی به چین است. در پاسخ به اقدامات تجاری ایالات متحده، دولت چین دولت ترامپ را به مشارکت در حمایت گزایی ملی گرایانه متهم کرد و اقدام تلافی جویانه انجام داد.^{۱۷}

پس از تشدید جنگ تجاری تا سال ۲۰۱۹، در ژانویه ۲۰۲۰، دو طرف به یک توافق فاز یک پرتنش دست یافتند که در دسامبر ۲۰۲۱ منقضی شد و آمریکا با اختلاف زیاد نتوانست به سهم واردات مورد نظر به چین دست پیدا کند. در پایان دوره ریاست جمهوری ترامپ، جنگ تجاری به طور گسترده به عنوان یک شکست برای ایالات متحده شناخته شد.

همچنین آشکار شدن ثمرات سرمایه گذاری‌های چین در حوزه نظامی، اقتصادی و خصوصاً فناوری و افزایش نفوذ چین در جهان خصوصاً منطقه شرق آسیا، آمریکا را از قدرت گرفتن چین نگران می‌کند. در دسامبر ۲۰۱۷ استراتژی امنیت ملی دولت ترامپ چین را در کنار روسیه به عنوان خطری برای امنیت ملی آمریکا توصیف می‌کند. طبق این سند چین دو چالش وجودی برای آمریکا ایجاد می‌کند: اول تلاش چین برای تضعیف قدرت آمریکا در آسیا و تسلط بر منطقه به جای آمریکا و دوم تلاش برای تسلط بر صنایع فناوری پیشرفته آینده. آمریکا نگران است که این سلطه آمریکا را مطیع قدرت اقتصادی چین کند.^{۱۸}

در همین دوران می‌بینیم که چالش‌های چین و آمریکا به حوزه‌های غیر تجاری گسترش می‌یابد. ترامپ چین را مقصر در گسترش همه گیری کرونا می‌داند. و از سویی اتهامات جدی به نقض حقوق بشر خصوصاً در سین‌کیانگ وارد می‌کند.

ریاست جمهوری بایدن، سیستماتیک شدن رقابت با چین

با گذشت زمان فضا برای آمریکا از تهدیدی که از سمت چین متوجه‌اش است شفاف‌تر می‌شود. و از سویی آمریکا از سیاستهای دوره ترامپ برای مهار چین درس‌های مهمی می‌گیرد. در اوایل دهه ۲۰۲۰ اندیشکده‌ها و اتاق فکرهای آمریکا بررسی‌های گسترده‌ای بر روی خطری که از سمت چین آمریکا را تهدید می‌کند انجام می‌دهند. و تهدیدهای متعددی را از سمت چین ارزیابی می‌کنند. نمودار زیر اجمالی از این تهدیدها را نشان می‌دهد.

آمریکا در این سال‌ها به این نتیجه می‌رسد که چین به یک تهدید همه جانبه برای آمریکا تبدیل شده‌است که مختصات نظم جهانی که آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم برقرار و هژمونی خود را بر آن مستقر کرده است را تهدید می‌کند. استراتژی امنیت ملی دولت بایدن که در اکتبر ۲۰۲۲ منتشر شد به صراحت چین را به عنوان مهمترین چالش ژئوپلیتیکی آمریکا به رسمیت می‌شناسد:

«جمهوری خلق چین تنها رقیبی است که هم قصد دارد نظم بین‌المللی را تغییر دهد و هم قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژیکی برای پیشبرد این هدف را دارد.»

۱۷. <https://www.cfr.org/backgrounder/contentious-us-china-trade-relationship>

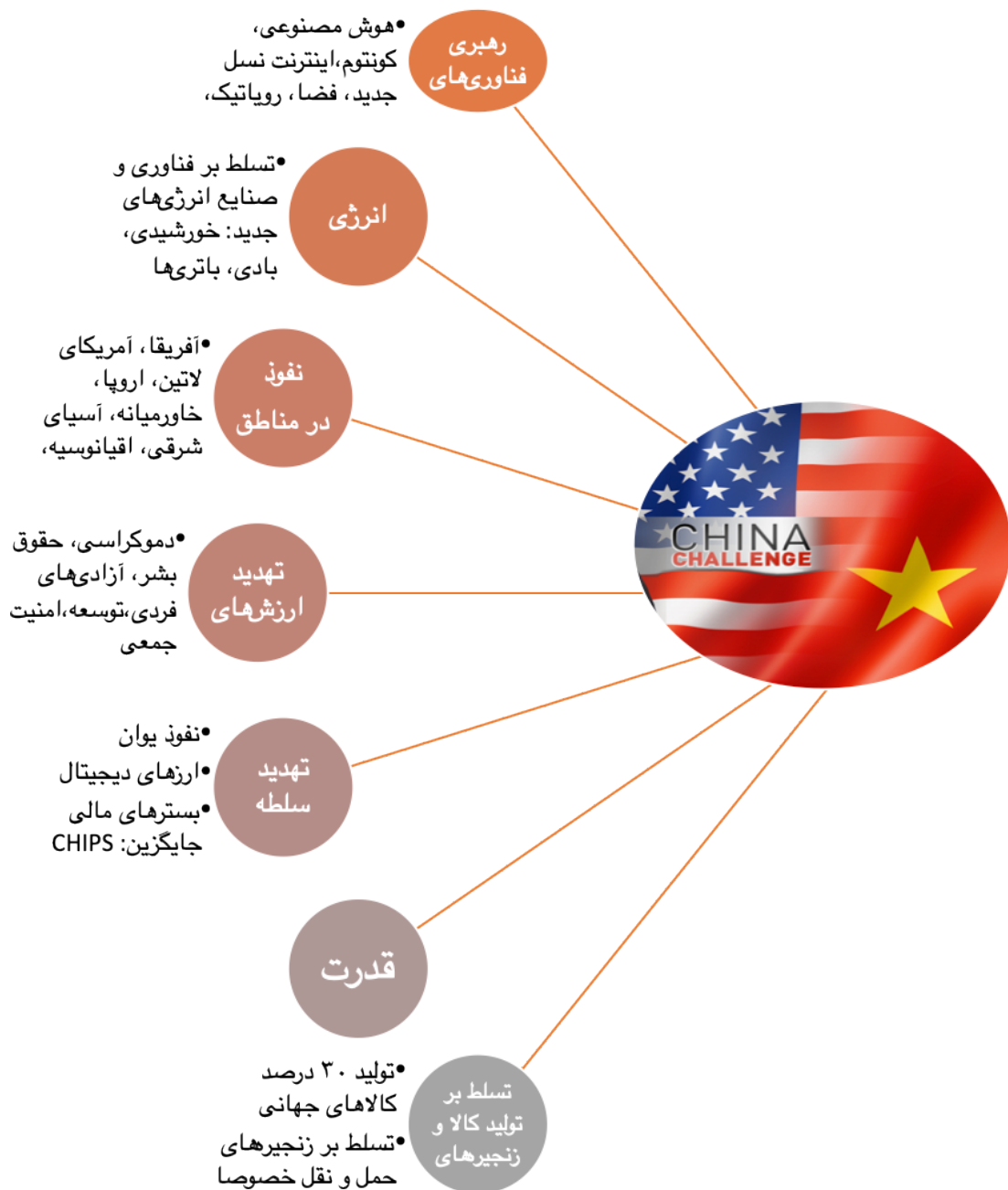
۱۸. <https://trumpwhitehouse.archives.gov/wp-content/uploads/12/2017/NSS-Final-0905-2017-18-12.pdf>





جک سالیوان، مشاور امنیت ملی بایدن، در روز بعد از انتشار این سند در دانشگاه جورج تاون به ترس آمریکا از تغییر نظم بین‌المللی اشاره می‌کند و می‌گوید:

«جهان در نقطه عطفی قرار دارد و استراتژی امنیت ملی جدید برای پرداختن به این دنیای جدید طراحی شده است. این سند در واقع به انتخاب‌های استراتژیک دولت بایدن در زمان «عدم اطمینان از برتری قدرت خود» می‌پردازد و بیان می‌کند که چگونه دولت بایدن از این دهه سرنوشت‌ساز برای پیشبرد منافع حیاتی آمریکا استفاده خواهد کرد.»





مقابله با چین فراتر از رویکرد دولتی و تبدیل شدن به یک استراتژی بنیادین در آمریکا

در دهه کنونی مقابله و مهار چین فراتر از اختلافات تجاری و رویکردهای متفاوت میان دموکراتها و جمهوری خواهان در سیاست آمریکا نمود پیدا کرده است. و در اسناد متعدد از جمله استراتژی امنیت ملی، استراتژی دفاع ملی و... به عنوان مهمترین تهدید آمریکا شناسایی شده است.

تشکیل کمیته های دوحزبی در کنگره و تعدد لوایح ارسال شده به مجلس و کنگره و قوانین مصوب نشان می دهد که اجتماعی یکپارچه برای مهار چین در میان سیاست گذاران آمریکا به وجود آمده است. به عنوان مثال در کنگره ۱۱۶ ایالات متحده (۲۰۲۱-۲۰۲۱) ۴۷۶ لایحه، کنگره ۱۱۷ م (۲۰۲۱-۲۰۲۱) ۶۸۱ لایحه مربوط به چین (از ۱۵۰۶۶ لایحه ارائه شده در مجموع) ارائه شده است. کنگره ۱۱۸ از ژانویه تا آوریل ۲۰۲۳ بیش از ۲۵۰ لایحه مربوط به چین را ارائه کرد که افزایش آشکاری نسبت به ۱۳۰ مورد معرفی شده در چهار ماه اول کنگره ۱۱۷ داشته است. تعداد لایحه های معرفی شده در کنگره در مورد چین بین سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۲۱ (کنگره های ۱۱۳ و ۱۱۶) شش برابر شده است.^{۱۹}

تعداد کمی از این لایحه ها به قانون تبدیل شده اند اما این حجم از لوایح از سویی نشان دهنده شدت چین گریزی در میان قدرت حاکمه آمریکا است و از سویی فرصتی برای اعضای کنگره است تا چین گریزی را ترویج کنند.

این روند در فرامین اجرایی که در دورت ترامپ آغاز شد و در دوره بایدن نیز با شدتی بیشتر ادامه یافت قابل مشاهده است. در هفت سال گذشته در حدود ۵۰ دستور اجرایی مرتبط با چین در دولت آمریکا صادر شده است.^{۲۰} به طور کلی آمریکا در سال های پس از ۲۰۲۰، استراتژی همه جانبه ای را برای مهار چین آغاز کرده است. ایجاد موانع بر سر راه توسعه چین، جدا کردن بازارها به منظور مهار رشد چین و کاهش آسیب ها ناشی از وابستگی به چین و همراه کردن متحدان غربی خود برای پیگیری همه جانبه مهار چین کلتی از سیاست های آمریکا است.

چین گریزی و خصومت با چین اکنون در میان بدنه مردمی آمریکا نیز به طور آشکار افزایش یافته است. مرکز تحقیقات پیو نشان داد که تقریباً ۷۳ درصد از آمریکایی ها در جولای ۲۰۲۰ نظر نامطلوبی نسبت به چین داشتند که ۲۶ درصد نسبت به سال ۲۰۱۸ افزایش داشت. نظرسنجی پولیتیکو در آوریل ۲۰۲۰ نیز نشان داد که ۳۱ درصد از رأی دهندگان ایالات متحده چین را «دشمن» می دانستند که افزایش ۱۱ درصدی نسبت به ژانویه قبل داشته است.^{۲۱}

۱۹. <https://uscnpm.org/20/04/2023/understanding-legislative-trends-the-117th-us-congress-on-us-china-relations>

۲۰. <https://www.federalregister.gov/presidential-documents/executive-orders>

۲۱. <https://carnegieendowment.org/15/11/2023/role-of-congress-in-u.s.-china-relations-pub-91012>





جمع بندی

امروز چالش‌ها میان چین و آمریکا به حوزه‌های متعددی توسعه پیدا کرده است. فناوری در قلب این رقابت‌ها قرار دارد. خصوصاً فناوری‌های نوظهوری که می‌توانند بر ساخت‌های اجتماعی و مدیریت جوامع در دهه پیش رو اثر بگذارد از جمله فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی، نسل‌های جدید اینترنت، فناوری‌های مرتبط با محاسبات سریع و کلان داده‌ها و فناوری‌های مرتبط با سلامت و انرژی‌های جدید و فناوری‌های مالی جدید مانند ارزهای دیجیتال.

در کنار این‌ها، نفوذ چین بر اقتصاد جهانی، بازار تولید، سرمایه‌گذاری‌های گسترده در سراسر جهان، تسلط چین بر حمل و نقل جهانی، نفوذ گسترده در سازمان‌های بین‌المللی و حمله‌های پیاپی چین بر مدیریت لیبرالی آمریکا و استانداردهای دوگانه او در امنیت، حقوق بشر، آزادی‌های فردی، توسعه و... در کنار یکدیگر هژمونی آمریکا را با تهدید جدی مواجه کرده است به نحوی که آمریکا را از اینکه در دهه آینده بتواند نظم مطلوب حاکم بر جهان را حفظ کند بیمناک کرده است و منجر شده که سیاست‌های سختی را برای مهار چین در پیش بگیرد. در مورد استراتژی آمریکا در قبال چین در مارس ۲۰۲۳، شی جین پینگ به نمایندگان کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین می‌گوید:

«کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده، مهار، محاصره و سرکوب همه جانبه را علیه ما اعمال کرده‌اند و چالش‌های شدید بی‌سابقه‌ای را برای توسعه کشور ما به وجود آورده‌اند.»^{۳۲}

امروز چالش میان چین و آمریکا به نقطه غیر قابل بازگشتی رسیده است. هر چند در یک سال گذشته طرفین سطح تعاملات دوجانبه را افزایش داده‌اند و نمایندگان دو طرف روابط چین و آمریکا را «با ثبات‌تر»^{۳۳} یا «شروع به تثبیت»^{۳۴} می‌خوانند اما باید توجه داشت که این ثبات در برابر سیاست‌های کلی دو کشور نیست.

این تعاملات به اصطلاح آمریکا برای ایجاد «گاردریل» هایی است که می‌تواند مانع از درگیری‌های ناخواسته میان دو کشور شود و عمدتاً برای جلوگیری از بی‌ثباتی‌هایی است که سال گذشته بر سر بالون چینی و سفر نانسی پلوسی به تایوان رخ داد و این تنش‌زدایی‌ها نسبتی با سیاست‌های کلان، اصول و خطوط قرمز طرفین ندارد و لذا انتظار مصالحه و معامله میان این دو ساده اندیشی و به دور از واقع گرایی است.

^{۳۲} <https://media.defense.gov/2023/Oct/2023/1/1-1-/2003323409/19-MILITARY-AND-SECURITY-DEVELOPMENTS-INVOLVING-THE-PEOPLES-REPUBLIC-OF-CHINA.PDF>

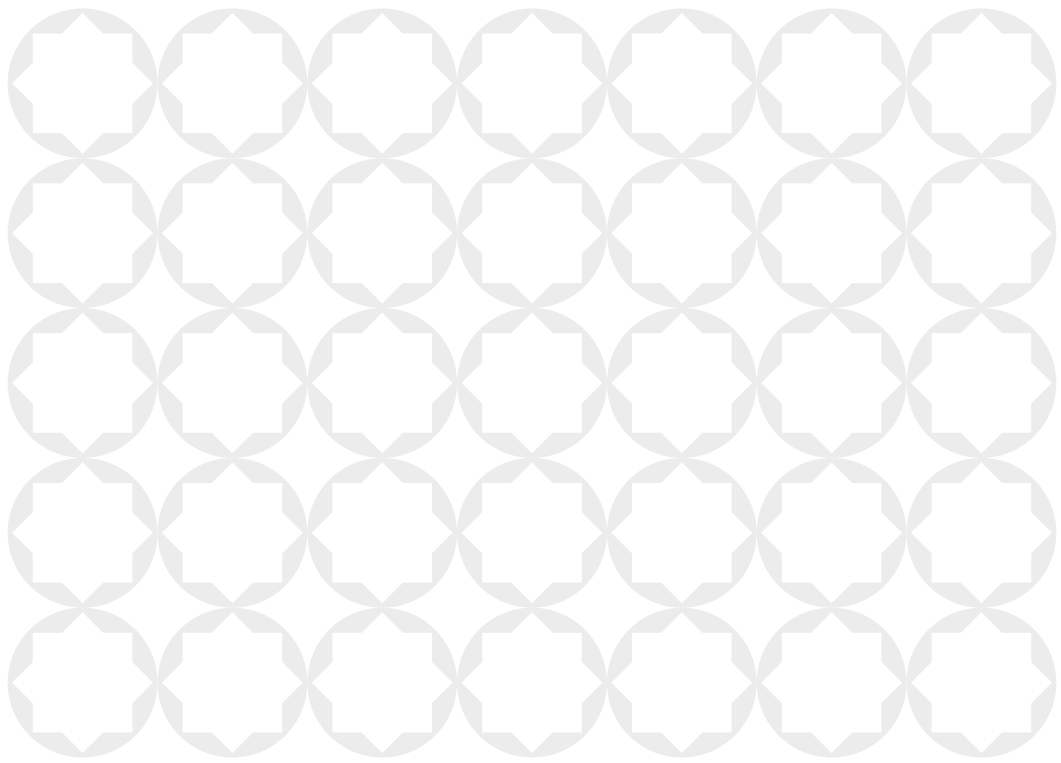
^{۳۳} <https://www.scmp.com/economy/china-economy/article/3258114/china-and-us-shouldnt-avoid-tough-conversations-janet-yellen-tells-li-qiang-frank-and-productive?module=inline&pgtype=article?module=inline&pgtype=article>

توصیف یلن وزیر خزانه‌داری ایالات متحده با رابطه با چین در آوریل ۲۰۲۴، من معتقدم که در طول سال گذشته، روابط دوجانبه خود را روی پایه‌های با ثبات تری قرار داده ایم. این به معنای نادیده گرفتن اختلافات ما یا اجتناب از گفتگوهای سخت نیست

^{۳۴} وانگ به بلینکن گفت که روابط بین دو کشور به ویژه پس از دیدار بایدن و شی در ماه نوامبر در نزدیکی سانفرانسیسکو، "شروع به تثبیت" کرده است

<https://www.france24.com/en/asia-pacific/20240426-china-warns-diplomatic-ties-with-us-could-face-downward-spiral>





ISA CENTER
International & Strategic
Analysis Center